

علت بلافصل

مصطفی نوری

مقدمه

اصطلاح proximate cause تا به حال بنا به شرایط موضوع و سلیقه‌های متفاوت، ترجمه‌های مختلفی به فارسی داشته است: علت نزدیک، علت اقرب، نزدیک‌ترین علت، علت اصلی، علت مستقیم، علت مؤثر، علت اساسی، علت عمده، علت بلافصل و علت‌العلل. با توجه به این که اصطلاح مورد نظر ما به طور معمول در مقابل «علت دور» (remote cause) به کار می‌رود، به نظر می‌رسد که «نزدیک‌ترین علت»، معادل نزدیک‌تری است اما به سبب توضیحی بودن آن (نزدیکی از لحاظ اثربخشی است نه زمانی) و اجتناب از تعبیر دوگانه، اصطلاح «علت بلافصل» انتخاب شد که ظاهراً به دریافت مفهوم اصلی نیز بیشتر کمک می‌کند. به هر حال، ابتدا چهار تعریف از «علت بلافصل»، برگرفته از واژه‌نامه‌های بیمه‌ای، ارائه و سپس به بحث اصلی پرداخته می‌شود:

– علت بلافصل یک حادثه: عبارت از علتی است که در یک سیر طبیعی و پیوسته، بی‌آن که این پیوستگی را علت جدید دیگری قطع کند حادثه‌ای به وجود آورد که بدون آن علت، حادثه مذکور هیچ‌گاه امکان وقوع نمی‌یافت.

– علت بلافصل یعنی علت مؤثر در وقوع یک خسارت و عبارت است از: زنجیره به هم پیوسته علت و معلولی بین وقوع یک خطر مورد پوشش و ورود خسارت به مورد بیمه. برای مثال، آتش‌سوزی علت بلافصل خسارتی است که منشأ آن آب مورد استفاده برای خاموش کردن آتش‌سوزی بوده است.

– هر حادثه نتیجه یک رشته (شبهه) از حوادث قبلی است. بررسی علت‌العلل در موارد حقوقی بی‌شمار پیش می‌آید و منشأ هر علت، علت دیگر است. بنابراین، هر علت با

علت بلافصل خود استدلال می‌شود و این علت اساسی یا مؤثر که لزوماً از نظر زمانی نزدیک‌ترین علت به وقوع حادثه نیست علت بلافصل نامیده می‌شود.

— بیمه‌گر مسؤول جبران خسارتی است که به‌طور اساسی به علت حدوث مخاطراتی باشد که در بیمه‌نامه مشخص شده‌اند. اصطلاح حقوقی آن «علت بلافصل» است. واژه بلافصل به معنای نزدیک‌ترین از نظر اثربخشی است و نه از نظر زمانی. تعریف سنتی و قدیمی «علت بلافصل» عبارت است از: علت جدی و اثربخشی که بدون مداخله هر عامل مؤثر جدید و مستقل دیگر منشأ زنجیره‌ای از حوادث شود.

زمانی که خسارتی به وقوع می‌پیوندد دو پرسش مطرح می‌شود: ۱. منشأ خسارت خطرهای بیمه شده است؟ و ۲. آیا منشأ خسارت، حوادث استثنای شده است؟ در پاسخ به این دو سؤال است که کاربرد علت بلافصل تبیین می‌شود.

الف) «آیا منشأ خسارت خطرهای بیمه شده است؟»

در محدوده بیمه‌نامه، اگر خسارت وارده به مورد بیمه بر اثر فعالیت مستقیم آتش‌سوزی نباشد، خسارت ناشی از آتش‌سوزی به حساب نمی‌آید مگر این که علت بلافصل آن آتش‌سوزی باشد. از آن‌جا که خسارت، نتیجه حتمی آتش‌سوزی است، یا به عبارت دیگر، از آن‌جا که خسارت بدون حادثه آتش‌سوزی هیچ‌گاه امکان وقوع پیدا نمی‌کند، آتش‌سوزی دلیل وقوع خسارت است. بنابراین، خسارت ممکن است به واقع ناشی از دود حاصل از آتش‌سوزی یا انفجارهای ناشی از گسترش آتش‌سوزی به علت شدت گرمای ایجاد شده در نزدیکی مواد قابل انفجار باشد. از این رو، پیوند بین آتش‌سوزی و خسارت آن قدر نزدیک است که رابطه علت و معلولی آن به روشنی معین و مشخص است. بر این اساس، هر خسارت ناشی از فروریزی دیوار یا دیگر بخش‌های ساختمانی که در حادثه آتش‌سوزی سُست شده است، خسارت ناشی از آتش‌سوزی تلقی خواهد شد. بدیهی است که خسارت‌های وارده به ساختمان مجاور که در آن آتش‌سوزی یا ریزش بعد از مدت زمان معقولی از اطفای آتش‌سوزی اصلی اتفاق می‌افتد به دلیل «علت بلافصل» جزو تعهدات بیمه‌گر است.

هرگاه خسارت پیامد منطقی و مستقیم یا نتیجه طبیعی سلسله حوادث ناشی از وقوع آتش‌سوزی باشد، آتش‌سوزی علت وقوع این خسارت تلقی خواهد شد. از این رو، می‌توان خسارت‌هایی را که بیمه‌گذار در جریان مهار و متوقف کردن آتش‌سوزی و نجات اموال در معرض خطر ایجاد می‌کند ناشی از آتش‌سوزی دانست، به شرط این که

اقدامات وی معقول، با حسن نیت و ضروری بوده باشد. خسارت‌های وارده به اموال بیمه شده در واقع ممکن است ناشی از استفاده از آب برای خاموش کردن شعله آتش باشد یا در بعضی مواقع ممکن است به امید جلوگیری از گسترش آتش‌سوزی مجبور به خراب کردن ساختمان شده باشند. در هر دو حالت، با این که خسارت‌های وارده به طور مستقیم ناشی از آتش‌سوزی نیست، چون ارتباط بین خسارت و وجود آتش‌سوزی بسیار نزدیک است، آتش‌سوزی باید علت بلافصل خسارت‌های وارده به حساب آید. هم‌چنین، هنگامی که با شدت گرفتن آتش‌سوزی بیمه‌گذار اموال بیمه شده را از ساختمان به بیرون می‌برد (چه هدف از این کار جلوگیری از آتش گرفتن اموال باشد و چه به قصد بردن آن‌ها به مکانی امن)، هر خسارتی که به دلیل این نقل مکان به اموال وی وارد آید خسارت ناشی از آتش‌سوزی تلقی می‌شود؛ خواه بر اثر خیس شدن اموال در زیر باران باشد (آن‌گاه که به محوطهٔ روباز منتقل می‌شده است) یا در نتیجهٔ پرت کردن آن‌ها از پنجره.

حتی اگر نقل مکان اموال از ساختمان درحالی صورت پذیرفته است که در آن هنگام ساختمان مربوط آتش نگرفته ولی به سبب مجاور بودن آن با محل آتش‌سوزی این انتقال انجام گرفته است، در صورت وقوع خسارت ناشی از انتقال اموال، خسارت ناشی از آتش‌سوزی به حساب می‌آید. در هر دو حالت، نقل مکان موجه و ناموجه، موضوع به شرایط و وضعیت موجود وابسته است، یعنی به عوامل عمده‌ای مانند نزدیکی، قریب‌الوقوع بودن آتش‌سوزی و مناسبت اقدامات انجام گرفته در رابطه با آن بستگی تام و تمام دارد. البته، هزینه‌های ناشی از نقل مکان موجه و قابل پرداخت بودن آن از طرف بیمه‌گر مورد تردید است مگر این که پیامد مستقیم آتش‌سوزی باشد. طبق همین ضابطه، خسارت ناشی از سرقت که به تبع از وقوع آتش‌سوزی انجام گرفته است (اموال به سرقت رفته، بیرون از کنترل مؤثر بیمه‌گذار بوده است)، خسارت ناشی از آتش‌سوزی به حساب می‌آید؛ خواه سرقت از داخل ساختمان طعمهٔ حریق صورت گرفته باشد یا در زمان نقل مکان اموال.

ب) «آیا منشأ خسارت حوادث استثنا شده است؟»

هدف از استثنا در هر بیمه‌نامه، آزاد کردن بیمه‌گر از تعهداتی است که پیامد خسارت‌های واردهٔ ناشی از خطرهای استثنا شده به وجود می‌آید. رویهٔ اعمال علت بلافصل در مورد خطرهای استثنا شده به مثابه ممنوعیت بیمه‌گذار در رابطه با دریافت

غرامت ناشی از خسارت‌هایی است که علت بلافصل آن یک خطر استثنا شده در بیمه‌نامه باشد.

هرگاه مورد بیمه، نه در آتش بلکه در نتیجه خطری استثنا شده از بین رفته باشد بیمه‌گذار نمی‌تواند غرامت دریافت کند، حتی اگر خطر استثنا شده، از وقوع آتش‌سوزی ناشی شده باشد. از این رو، هنگامی که در طی جریان آتش‌سوزی انفجار به وجود می‌آید خسارت ناشی از ضربه شدید انفجار (در اموال مجاور) در محدوده خطر استثنا شده انفجار واقع می‌شود؛ گرچه انفجار صرفاً حادثه فرعی آتش‌سوزی تلقی می‌شود. همین خسارت وارده به ساختمان در زمان گسترش آتش‌سوزی، دقیقاً به آتش‌سوزی مربوط است و قسمتی از خسارت ناشی از آتش‌سوزی به حساب می‌آید.

چنانچه مورد بیمه در آتش‌سوزی ناشی از یک خطر استثنا شده سوخته و از بین رفته باشد موقعیت بیمه‌گذار منوط به آن است که خطر استثنا شده علت بلافصل در نظر گرفته می‌شود یا «علت دور». اگر آتش‌سوزی پیامد طبیعی خطر استثنا شده باشد علت بلافصل این خسارت خطر استثنا شده است و بیمه‌گذار نمی‌تواند غرامت دریافت کند. بنابراین، هرگاه دشمن با پرتاب بمب آتش‌زا باعث آتش‌سوزی در انباری شود، گرچه خسارت وارده به طور مستقیم از آتش‌سوزی سرچشمه گرفته است علت بلافصل آن، حمله دشمن و در نتیجه یک خطر استثنا شده (نیروی نظامی) است. اگر آتش‌سوزی تنها نتیجه اتفاقی و پیش‌بینی نشده خطر استثنا شده باشد، تا هنگامی که خسارت وارده ناشی از آتش‌سوزی است و ارتباطی با خطر استثنا شده ندارد، خطر استثنا شده «علت دور» خسارت به حساب می‌آید و بیمه‌گذار می‌تواند غرامت دریافت کند.

تأثیر این قاعده به راحتی ممکن است از طریق مراجعه به رفتاری که در آن محدوده علت بلافصل در گسترش آتش‌سوزی اعمال می‌شود نمایان شود. هرگاه آتش‌سوزی ناشی از حریق استثنا شده در زنجیره طبیعی و معمولی حوادث گسترش پیدا کند (برای مثال، به علت تغییر مسیر باد)، اعمال خطر استثنا شده برای گسترش آتش‌سوزی مربوط مانند آتش‌سوزی اصلی به‌جا و طبیعی است. در واقع، هیچ عاملی در جدا کردن آتش‌سوزی اول از ماهیت اصلی آن مداخله ندارد و هویت آن بدون تغییر می‌ماند. همچنین، هرگاه آتش‌سوزی از طریق آتش‌افروزی (استثنا شده) ایجاد شده باشد و به علل طبیعی گسترش یابد و از ساختمانی به ساختمان دیگر سرایت کند، آتش‌سوزی دوم دقیقاً شبیه آتش‌سوزی اصلی تلقی می‌شود و علت بلافصل آن خطر استثنا شده است.

همین طور، هرگاه ساختمانی بر اثر آتش سوزی جنگل، که استثنا شده است، آتش بگیرد، علت بلافصل آن آتش سوزی جنگل است و بیمه گر طبق شرایط بیمه نامه متعهد جبران غرامت نیست.

هرگاه اموال بیمه شده در آتش سوزی ناشی از یک آتش سوزی استثنا شده از بین برود و در همان حال آتش سوزی دوم ماهیت خود را داشته باشد و بر اثر عوامل طبیعی و معمول سرایت نکرده باشد ولی به علت مداخله بعضی از عوامل نامنتظره به وجود آمده باشد (علت اصلی قطع شده است) خطر استثنا شده قابل اعمال نیست، زیرا آتش سوزی دوم در واقع آتش سوزی جدیدی است و نمی توان آن را ناشی از خطر استثنا شده یا آتش سوزی اول دانست. بنابراین، در زمان نقل مکان اموال از یک خانه آتش گرفته به سبب حریق استثنا شده به مکانی دیگر اگر شخص به سهو مواد آتش زایی پرتاب کرده باشد و اموال آتش بگیرد این آتش سوزی ماهیتاً با آتش سوزی اول فرق دارد و در تعهد بیمه گر خواهد بود. البته به شرط این که ثابت شود عمل تصادفی دوم نتوانسته است پیامد آتش سوزی اول باشد.

هرگاه آتش سوزی و خطر استثنا شده در یک زمان اتفاق افتند و در زمان وقوع خسارت هر دو فعال باشند و یکی بر دیگری تقدم نداشته باشد وجود خطر استثنا شده دلیل ممانعت بیمه گذار از دریافت خسارت ناشی از آتش سوزی نمی شود. به هر حال، بیمه گذار باید بتواند نتایج ناشی از آتش سوزی و خطر استثنا شده را از هم تمیز دهد، به عبارت دیگر، او نباید لاقلاً از عهده اثبات این که در وقوع خسارت، اثر بخشی آتش سوزی بیشتر از اثربخشی خطر استثنا شده بوده است برآید. از همین رو، زمانی که آتش سوزی علت انفجار می شود، و انفجار خود عامل آتش سوزی دوم می شود، بیمه گذار مستحق دریافت غرامت ناشی از آتش سوزی اول است، چون رابطه ای با انفجار (خطر استثنا شده) ندارد، ولی ممکن است از دریافت غرامت آتش سوزی دوم محروم شود.

خلاصه

خسارت وارده ممکن است ناشی از مجموعه علت های به هم پیوسته باشد که هر یک در پی دیگری و از نتیجه آن ناشی شود. هرگاه این پیوستگی به سبب ظهور یک علت جدید از بین برود، علت جدید خود موجب حادثه جدیدی می شود که دیگر به علل پشت سر خود ربطی ندارد. در واقع علت بلافصل حتماً نباید آخرین علت در ایجاد

حادثه باشد؛ آخرین علت ممکن است صرفاً حلقه‌ای از زنجیره به هم پیوسته علت‌ها در جریان ایجاد یک حادثه باشد. ارتباط علل و اثربخشی آن‌ها، باید بین حادثه و علت مورد نظر تعیین و مشخص شود. در نهایت، و از آن‌جا که بیمه‌گذار همواره در اندیشه دریافت خسارت از بیمه‌گر است باید معلوم کند که بین وقوع حادثه و خسارت وارده رابطه علت و معلولی نزدیک و مستقیم وجود دارد. علت بلافصل خسارت وارده همواره باید حادثه بیمه شده باشد تا بیمه‌گر آن را پرداخت کند، یعنی این که، خسارت در نتیجه وقوع حادثه بیمه شده وارد آمده باشد.

منابع

1. *Dictionary of INS*, by Lewis E Davids, New Jersey, 1970.
2. *Witherby's Dictionary of INS*, by Hugh Cockerell, London, 1987.
3. *Glossary of INS. Terms*, by T.E.Green, California, 1988.
4. *Dictionary of INS*, by C. Bennett, Glasgow, 1997.
5. *Fire & Motor INS*, by E.R.H. Ivamy, London, 1973.
6. *Property INS. U/W*, by J.E. Durrant and K.R. Wilkins, CII, 1995.

۷. کریمی، آیت. کلیات بیمه، بیمه مرکزی ایران، تهران: ۱۳۷۴.